

راهکار سیاستی تعیین حوزه‌های سبک زندگی اسلامی و کاربست آن

محمدعلی دولت^۱ محمدجواد ولی‌زاده^۲ ابراهیم شکرانی^۳

چکیده

این مقاله، با تأکید بر مأموریت شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر تدوین برنامه جامع سبک زندگی اسلامی-ایرانی، درصدد است با توجه به اختلاف نظر صاحب‌نظران پیرامون مصادیق و حوزه‌های سبک زندگی، راهکاری مطرح نماید که اولاً مطالبه سیاست‌گذار مبنی بر «جامعیت برنامه سبک زندگی» در جامعه اسلامی و زیست‌بوم ایران تأمین شود، ثانیاً از جهت نظری، حائز شرایط علمی بودن باشد و ثالثاً با توجه به اختلاف دیدگاه‌های صاحب‌نظران، وفاق حداکثری ایجاد نماید. برای این امر، با روش مطالعه اسنادی، رویکردهای حداقلی و حداکثری به مصادیق و حوزه‌های سبک زندگی، با در نظر گرفتن توسعه روزافزون عوامل و مؤلفه‌های سبک‌ساز در زندگی افراد، شناسایی شده و برای نیل به هدف مذکور، در گروه‌های کانونی تفصیلاً مورد بحث قرار گرفت. در بحث پیرامون مبنای وفاق، تعیین معیارهای نظری برای پالایش حوزه‌های سبک زندگی، به کارگیری روش مناسب و استفاده از سازوکارهای مدیریتی پیشنهاد شد و در مقام جمع‌بندی، جمع سه راهکار پیشنهادی، برای شناسایی حوزه‌های سبک زندگی به کار بسته شد. لذا با گردآوری همه حوزه‌های مورد نظر صاحب‌نظران، بر مبنای چهار مفهوم کلیدی سبک زندگی، یعنی «الگوهای رفتاری»، «هویت فردی»، «تمایز» و «سلیقه»، پالایش صورت گرفت و سپس مصادیق و حوزه‌های به‌دست‌آمده، ذیل عناوین عام‌تر دسته‌بندی شد.

■ واژگان کلیدی

سبک زندگی؛ برنامه جامع سبک زندگی؛ حوزه‌های سبک زندگی؛ رویکرد حداقلی؛ رویکرد حداکثری.

۱. استادیار پژوهشی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. m.dolat@sccr.ir

۲. استادیار پژوهشی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. mj.valizadeh@sccr.ir

۳. دبیر ستاد فرهنگی و اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. ebishokr541385@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

مقدمه و بیان مسئله

«تدوین، ترویج و اجرای برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی» یکی از الزامات شورای عالی انقلاب فرهنگی بر اساس رهنمودها و مطالبات مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی کشور است. در توصیه نخست از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پیرامون «علم و پژوهش»، تصریح شده است که «دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد.» در توصیه هفتم آن سند نیز که به موضوع «سبک زندگی» اختصاص یافته، «مقابله با سبک زندگی منحط غربی از طریق جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه» مطالبه شده است. در بند چهارم پیوست حکم انتصاب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۰ نیز «طراحی و تدوین برنامه‌ای جامع برای ترویج سبک زندگی اسلامی‌ایرانی در کشور و زمینه‌سازی برای اجرایی شدن آن توسط دستگاه‌های مسئول»، به‌عنوان یکی از وظایف شورا بازگو شده است و مطالبه پرداختن به سبک زندگی، در احکام سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۴۰۰ نیز تکرار شده است. در برخی از اسناد بالادستی کشور نیز سبک زندگی به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدامات فرهنگی کشور معرفی شده است. چنان‌که در سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور، راهبرد کلان پنجم به «سبک زندگی» اختصاص یافته و در اقدام ملی یکم این راهبرد کلان، «تدوین و اجرای برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی» مطالبه شده است. با توجه به این الزامات، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی موظف است نسبت به «تدوین برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی» اقدام نماید.

با توجه به اختلاف نظر گسترده و فقدان نظریه‌ای که مورد توافق عموم صاحب‌نظران این حوزه باشد، بهره‌برداری از یک نظریه مبنا برای سبک زندگی، مشکلات فراوانی را در توجیه و همراه‌سازی مجریان و مخاطبان این سند به دنبال دارد. لذا ضروری است که با اتخاذ رویکردی مناسب جهت سیاست‌گذاری پیرامون سبک زندگی و تعیین مصادیق و حوزه‌های آن (به‌گونه‌ای که جامع تمام حوزه‌های سبک زندگی باشد)، توافقی حداکثری میان صاحب‌نظران را دنبال نمود.

از طرف دیگر، «سبک زندگی» از پیچیده‌ترین مقوله‌های انسانی و معرکه نظریه‌های گوناگون از جانب اندیشمندان است. پیچیدگی این مقوله از این رو است که ۱- «انسان» در کانون آن قرار دارد و علاوه بر ابعاد قابل مشاهده در رفتار و فعل فرد، دارای ریشه‌های پنهانی چون باورها و

انگیزه‌های فردی و گروهی است؛ ۲- از شرایط مختلف محیطی مانند فرهنگ جامعه و آداب و رسوم حاکم بر خانواده و ... تأثیر می‌پذیرد؛ ۳- با رخدادها و مسائل مختلف مربوط به اقتصاد و سیاست یا پیشرفت دانش و فناوری، به صورت مستقیم و غیرمستقیم ارتباط دارد؛ ۴- بینش‌ها، باورها و جهان‌بینی حاکم بر نظام فکری پژوهشگر، در کیفیت دریافت او از این موضوع تأثیر به‌سزایی دارد. ۵- این شناخت، صرفاً توصیفی نیست، بلکه با تجویز همراه است و رفتارهایی را به‌عنوان پیشنهاد یا الزام مطرح می‌نماید.

مرور پیشینه نظریه‌ها و مباحث «سبک زندگی» نیز بیانگر ادعای فوق است؛ چنان‌که در این باره ده‌ها نظریه از سوی نظریه‌پردازان غیرمسلمان و نظریه‌های متعددی از جانب اندیشمندان مسلمان، با عنوان «سبک زندگی اسلامی» مطرح شده‌است.

آنچه در قالب نظریه‌های «سبک زندگی» و «سبک زندگی اسلامی» مطرح شده، تأکید بر بخش‌های خاصی از انتخاب‌های فردی است که موجب تمایز فرد از دیگران می‌شود. «الگوهای رفتاری» (یکی از چهار محور «فرهنگ» در سند نقشه مهندسی فرهنگی) و یا «کنش‌های پایدار و نظام‌مند افراد» با دو عنصر «وحدت» و «تمایز»، حد مشترک دیدگاه‌های مختلف پیرامون سبک زندگی است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۰۸). هرچند مفاهیم کلیدی تعریف سبک زندگی در بخشی از این مقاله مورد توجه قرار می‌گیرد، اما این مقاله به دنبال تعریف سبک زندگی نیست؛ بلکه درصدد است تا از منظر سیاست‌گذار، اموری را بررسی کند که تغییر آن‌ها به پیدایش یا تمایز سبک خاص افراد و گروه‌ها منجر می‌شود و از این امور به «حوزه‌های سبک زندگی» یاد می‌شود. در نگرش حداقلی به سبک زندگی، صرفاً به نگاه جامعه‌شناسانه اکتفا می‌شود که با در نظر گرفتن حدود اشتراک و اختلاف این مفهوم با سایر مفاهیم اجتماعی، نظیر فرهنگ و ... سعی در تحدید آن به حوزه‌های خاصی دارد تا با مفاهیم دیگر علوم اجتماعی خلط نشود. بسیاری از طرفداران این نگرش در معرفی مصادیق و حوزه‌های سبک زندگی، صرفاً به مواردی اشاره می‌کنند که ناظر به «حوزه شخصی» باشد و در تمایز خودخواسته فرد با افراد دیگر نقش داشته باشد. منظور از حوزه شخصی نیز شاهد توجه به بدن‌ها و مواردی است که به تصرفات فرد در جسم و دارایی‌های شخصی خود می‌پردازد و افراط در این امر تا جایی است که حتی می‌توان از «عصر بدن» سخن گفت (ذکایی، ۱۳۹۳: ۱۶۹). از این رو، عموماً به اموری چون سبک سپری کردن اوقات فراغت و تفریح، سبک خودآرایی و پوشش، الگوی مصرف، رفتارهای جنسیتی، الگوی تغذیه اشاره دارند (صالحی، ۱۳۸۱: ۲۳۷).

با توسعه روزافزون کاربرد لفظ و مفهوم سبک زندگی نزد صاحب‌نظران دیگر رشته‌ها، و تبدیل آن به مقوله‌ای میان‌رشته‌ای که دانش‌های سیاسی، اقتصادی و علوم تربیتی و حتی تربیت بدنی، علوم پزشکی و بهداشت و ... با آن تعاملی دوسویه دارند، بر تعداد و تنوع مصادیق و حوزه‌های سبک زندگی افزوده شد. در میان دانش‌های تجربی، علوم پزشکی و بهداشت به دلیل نقش ویژه‌ای که برای پیش‌گیری در سلامت افراد دارند، ورود گسترده‌تری به حوزه سبک زندگی داشته و سعی کرده‌اند که این مقوله ذاتاً فرهنگی را در خدمت پیشبرد اهداف سلامت‌محور قرار دهند (ر.ک: دالوندی و دیگران، ۱۳۹۱).

با ورود مقوله سبک زندگی به حوزه اندیشه اسلامی و اضافه شدن نگاه دینی به آن، علاوه بر نگرش انتقادی به نظریه‌های سکولار، تلاش‌هایی برای ارائه نظریه‌های بومی صورت گرفت. مهم‌ترین فرق این نگرش‌ها و دیدگاه‌ها با نظریه‌های سکولار را می‌توان در نگاه حداکثری به مصادیق و حوزه‌های سبک زندگی مشاهده نمود؛ تا جایی که بسیاری از شئون، ابعاد و جنبه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی نظامی و سیاسی، در این دایره گنجانده می‌شود.

با توجه به موارد فوق، پرسش این مقاله این است که از منظر سیاست‌گذاری که به‌منظور تدوین برنامه جامع سبک زندگی در جامعه اسلامی و زیست‌بوم ایران، درصدد تعیین مصادیق و حوزه‌های سبک زندگی است، چه رویکردی باید دنبال شود که اولاً از جهت نظری و به لحاظ روشی، واجد شرایط لازم برای انصاف به «علمی» و «اسلامی» باشد و ثانیاً میان صاحب‌نظران دو رویکرد، وفاق حداکثری وجود داشته باشد؟

ادبیات تحقیق

نظریه‌پردازان سبک زندگی، حوزه‌های مختلفی از زندگی را در قالب «مؤلفه‌ها» یا «شاخص‌ها» و حتی به‌عنوان «ویژگی‌های مفهومی» سبک زندگی برشمرده‌اند که موارد انگشت‌شماری از آن‌ها میان اکثریت «مشترک» است و برخی هم متناسب با شرایط، پیش‌فرض‌ها و دیدگاه‌های خاص خود، مواردی را به‌صورت غیرمشترک نام برده‌اند. به‌جز آدلر^۱ که با نگاهی روان‌شناختی به ویژگی‌های کمال‌جویی، انعطاف‌پذیری، قوه خلاقه فردی و اراده انسان و با تأکید بر پدیده شخصی «معنای زندگی» که نتیجه «ادراک فرد از موقعیت خویش» است، به سبک زندگی پرداخته تا آن را در راستای شخصیت افراد تحلیل نماید (ر.ک: مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۲۳)، در علوم

1. Alfred Adler

اجتماعی، این مفهوم، بیش از همه، به رفتارهای اقتصادی، به‌ویژه «مصرف» گره خورده بود. لذا «شیوه مصرف» یا «الگوی مصرف» و مصادیق مصرف، اعم از مصارف مادی و مصارف فرهنگی، از جمله مواردی است که به‌عنوان حوزه‌های سبک زندگی، کاربرد فراوانی میان صاحب‌نظران داشته‌است؛ با این قید که به تفاوت‌های این مفهوم با سایر مفاهیم جامعه‌شناختی، نظیر فرهنگ و خرده‌فرهنگ، طبقه اجتماعی، عینیت و ... توجه شده‌است (ر.ک: هندری و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۲۸). اما پس از تحقیقات اندیشمندان، به‌ویژه بوردیو و گسترش توجه به نقش عوامل دیگر در سبک زندگی، از جمله سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین (ر.ک: بوردیو، ۱۳۸۹: ۱۳۴-۱۴۷)، جایگاه عواملی مانند دین و مذهب در سبک زندگی نیز بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۶).

دیوید چینی^۱ سبک‌های زندگی را سازمان اجتماعی مصرف دانسته و معتقد است سبک زندگی شیوه الگومند مصرف و درک یا ارج نهادن به محصولات فرهنگ مادی است. سوبل^۲ نیز تأکید می‌کند که الگوی مصرف قابل‌مشاهده‌ترین و بهترین شاخص سبک زندگی است. لامونت^۳ و همکارانش ضمن تأکید بر شیوه سازمان دادن زندگی شخصی، الگوی تفریح و مصرف را بهترین شاخص سبک زندگی بیان نموده‌اند. برلسون^۴ و اشتاینر^۵ نیز مؤلفه‌های سبک زندگی را در مواردی چون اوقات فراغت و ذوقیات و نحوه مصرف مناسب پول پیگیری نموده و مواردی مانند رسیدگی به وضع ظاهری و لباس، آداب معاشرت، سلیقه زیباشناختی، سرگرمی‌ها و خوردنی‌ها را به‌عنوان شاخص‌های سبک زندگی مطرح نموده‌اند (الف و دیگری، ۱۳۹۱: ۲۴).

مصادیق و حوزه‌هایی که زیمل^۶، وبلن^۷ و وبر^۸ در آثار خود از آن‌ها یاد کرده‌اند عبارت است از شیوه تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل‌ونقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح و اطفال (رفتارهای حاکی از دست‌ودلبازی) و مانند آن (نیازی و دیگری، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

1. David Chaney
2. Michael E. Sobel
3. Michèle Lamont
4. Bernard Robben Berlson
5. Gary Steiner
6. George Simmel
7. Thorstein Veblen
8. Max Weber

کلاکهنون^۱ حوزه‌های مربوط به الگوهای رفتاری مصرفی با قید حکایت از ترجیحات فردی را مورد بررسی قرار داد و مواردی چون سبک بهره‌برداری از صنایع فرهنگی، سبک تفریح و فعالیت ورزشی، سبک بازی و الگوی لباس پوشیدن را شاخص ارزیابی سبک زندگی دانست. مطالعات گوردون^۲ از منظری روان‌شناختی به حوزه صفات ثانویه (پس از صفات بنیادین و صفات کلیدی) می‌پردازد و رفتارهای بیانگر شخصیت را نیز بررسی نموده‌است. او حوزه‌هایی مانند الگوی مصرف، شیوه انتخاب و پوشیدن لباس و نحوه صحبت کردن را مورد توجه قرار داد و فراتر از الگوهای رفتاری، به سبک خاص نگرش‌ها و علاقه‌مندی‌ها در فرهنگ، نظیر امور جنسی، عقلانیت، دین، خانواده، وطن‌دوستی، آموزش، هنرها و ورزش‌ها پرداخت. لوید وارنر^۳ در پژوهش سبک زندگی یانکی‌سیتی، افزون بر نحوه گذران اوقات فراغت و تفریحات و سلیقه‌های ورزشی، به تفاوت‌های دینی و چشم‌اندازهای اخلاقی، ارزش‌های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، روابط زناشویی و تربیت کودک اشاره نموده‌است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۱۱-۲۱۲).

اولیویا اُ برین^۴ و همکارانش معتقد هستند سبک زندگی در شهرنشینی آمریکای اواخر دهه ۱۹۶۰، در مواردی مانند محل زندگی، مشارکت‌های محلی، نوع منزل و نوع مدرسه محل تحصیل فرزندان تجسم می‌یافت (الفت و دیگری، ۱۳۹۱: ۲۴) کاریس فن هاوتن^۵ عناصر سبک زندگی در خانواده را شامل اثاثیه، اشیای هنری، انواع لباس پوشیدن‌ها، مواد خواندنی، آلات موسیقی، سلیقه در غذا و نوشیدنی‌ها، روش پخت، نوع صحبت کردن در خانه، نوع گذران اوقات فراغت، بودجه‌بندی، روابط با فرزندان، ضوابط و روش‌های تربیت کودک، تراکم جمعیت ساکن در خانه و محل و نوع و ویژگی‌های اشتغال اعضای خانواده بیان نموده‌است (اردکانی‌فرد و دیگری، ۱۳۹۶: ۱۳۶). جی.ای.ویل^۶ علاوه بر مصرف، سبک زندگی را شامل ارزش‌ها، نگرش‌ها، مسائل جمعیت‌شناختی، تفاوت‌های جنسی، موقعیت اقتصادی، شغل، طبقه‌بندی اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت می‌داند. جerald لسلی^۷ مانند سلیقه در انتخاب نوشیدنی، تجهیز خانه، مواد خوردنی و گذران اوقات فراغت) و آداب معاشرت و در یک بیان کلی، الگوهای

1. Clyde Kluckhohn

2. Gordon Willard Allport

3. W. Lloyd Warner

4. Olivia O'Brien

5. Carice van Houten

6. J E Weil

7. Gerald Leslie

مصرف می‌داند (خورشیدی زگلوچه و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۶). زیستن در محله خاص یا نوع خاصی از مسکن نیز در زمره مصادیقی است که سبک خاصی از زندگی را نمایان می‌سازد (صمدزاده و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۸).

مارتین سگالن^۱، جامعه‌شناس فرانسوی، بر سه محور مسکن (فضای داخلی خانه و تقسیم‌بندی فضاهای خصوصی و فضاهای عمومی و تفریحی داخلی و خارجی)، معاشرت و شبکه روابط خویشاوندی و اتکا در امور و حوادث و تأثیر این نوع روابط بر نوع گذران اوقات فراغت، و نوع نگاه و رفتار درمورد اشتغال زنان و تقسیم کار در زندگی زناشویی تأکید نموده‌است (صمدزاده و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۷). علاوه بر موارد فوق، لئو بی هندری^۲ معتقد است که بعد از اواسط دهه ۱۹۸۰، ابعاد سلامت و بهداشت نیز در زمره حوزه‌های سبک زندگی قرار گرفته‌اند (هندری و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۳۱). ادوارد فرن^۳ نیز در بحث از مؤلفه‌های شکل‌دهنده سبک زندگی، علاوه بر فعالیت‌ها (مانند کار، سرگرمی و تفریحات)، علاقه‌مندی‌ها (مانند خانواده و رسانه) و عقاید (مانند موضوعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) را نیز برشمرده‌اند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۱۴).

۷۱

علاوه بر نظریه‌های فوق که تابعی از دیدگاه‌های صاحب‌نظران غیربومی پیرامون مؤلفه‌های شکل‌دهنده سبک زندگی است، دیدگاه‌های اسلامی نیز مصادیق و حوزه‌های دیگری را افزوده‌اند. بسیاری از مطالعات سبک زندگی اسلامی، به دلیل عدم توجه دقیق به تفاوت اصول و ارزش‌های سبک زندگی با مؤلفه‌های سازنده آن، دچار تشتت در بیان مصادیق و حوزه‌های سبک زندگی شده‌اند (ر.ک: عنان‌پور خیرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۰۱؛ دوست‌فرخانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۶). در برخی از مطالعات صورت‌گرفته، سبک زندگی اسلامی را شامل سه دسته کلی بینش، گرایش و کنش دانسته‌اند (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۰).

مصادیق و حوزه‌های سبک زندگی، در نظریه سبک زندگی تجویزی اسلامی (با تحفظ کامل بر تفاوت‌های مبانی معرفتی - روانی سبک زندگی با مؤلفه‌های آن و عوامل رفتارساز) در قالب دسته‌بندی‌های امور عبادی، باورها، اخلاق، امور مالی، خانواده، امور اجتماعی، سلامت، تفکر و علم، امور دفاعی - امنیتی و زمان‌شناسی مطرح شده‌است (کاویانی، ۱۳۹۲: ۲۱۲۳). کاویانی متأثر از دیدگاه روان‌کاوانه، نظام بینشی (هست‌ها و نیست‌ها) و نظام ارزشی (بایدها و نبایدها) را مورد

1. Martin Segalen

2. Leo B Hendry

3. Edward Fern

توجه قرار داده و شناخت‌ها و عواطف فرد بر رفتارها را نیز در مؤلفه‌های سبک زندگی مورد توجه قرار داده‌است (ر.ک: کاویانی، ۱۳۸۸).

محمدتقی فعالی که از پیشگامان نظریه‌پردازی و اقدام برای تحقق سبک زندگی اسلامی است، سبک زندگی را در قالب حوزه‌های روابط میان فردی، مناسبات اجتماعی، ازدواج و خانواده، بهداشت و غذا و تغذیه، بهداشت فردی و محیط زیست، زندگی معنوی، بینش‌ها و ارزش‌ها مورد بررسی قرار داده و برای هر کدام از این حوزه‌ها، بایدها و نبایدهایی را معین نموده‌است (ر.ک: فعالی، ۱۳۹۴).

نقطه عطف سبک زندگی در کشور، سخنرانی ۱۳۹۱/۷/۲۳ مقام معظم رهبری در خراسان شمالی^۱ است که با معرفی مسیر جدیدی در مهندسی تحولات فرهنگی و اجتماعی، جریانی نوین در عرصه برنامه‌ریزی فرهنگی دنبال نموده‌است. مقام معظم رهبری، با مطرح کردن «تمدن‌سازی نوین اسلامی» به‌عنوان مقصد «پیشرفت همه‌جانبه» و هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، این تمدن را به دو بخش ابزاری و بخش حقیقی تقسیم کردند و همه آنچه در غرب و کشورهای صنعتی به‌عنوان معیارهای توسعه برشمرده می‌شود، مانند توسعه علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ، بخش ابزاری و غیرحقیقی معرفی نمودند. اما بخش حقیقی تمدن نوین اسلامی به‌عنوان مقصد پیشرفت، اموری است که متن زندگی را تشکیل می‌دهد. ایشان با توجه به نو بودن بحث «سبک زندگی» در ادبیات و فضای گفتمانی کشور، به آسیب‌شناسی حقایق عینی در الگوهای رفتاری در جامعه پرداخته و با طرح سؤالات متعدد از اندیشمندان حوزه و دانشگاه، نخبگان سیاسی و فکری، دستگاه‌های مرتبط با فرهنگ و تعلیم، تلاش جدی برای آسیب‌شناسی، چاره‌جویی و جست‌وجوی راه‌های علاج آسیب‌ها را مطالبه نمودند که این مطالبه در بند هفتم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی امتداد یافته‌است: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده‌است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد.» مواردی که معظم‌له در بیانات خویش به‌عنوان مصادیق و حوزه‌های سبک زندگی اشاره داشته‌اند، عبارت‌اند از: مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریح، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب‌وکار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه، رفتار ما

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه.

روش

برای تدوین این مقاله، از روش‌های تحقیق بررسی اسناد و مدارک و گروه‌های کانونی بهره‌گیری شده‌است؛ بدین صورت که با مراجعه به مقالات، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های موجود پیرامون سبک زندگی اسلامی - ایرانی، نظریه‌ها و ایده‌های این حوزه گردآوری شد. آنگاه با توجه به تشتت آرا و فقدان نظریه فراگیر مقبول به‌عنوان مبنای تدوین برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی در این موضوع، با تشکیل گروه‌های کانونی با محوریت سه گروه از صاحب‌نظران، شامل چهل نفر از صاحب‌نظران سبک زندگی عمومی و اسلامی، مدیریت و سیاست‌گذاری فرهنگی،^۱ ضمن ارائه متن تفصیلی یافته‌های مطالعات اسنادی به ایشان، از آن‌ها خواسته شد به این پرسش پاسخ دهند: با توجه به چهار الزام مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی در سیاست‌گذاری سبک زندگی: «قابل دفاع از جهات علمی»، «برخورداری از جامعیت»، «قابل انتساب به اسلام» و «تناسب با اقتضائات زیست‌بوم ایران» و نیز با در نظر داشتن اختلاف نظرات صاحب‌نظران دو رویکرد، چگونه می‌توان حوزه‌های سبک زندگی را تنظیم نمود که وفاق حداکثری در پی داشته باشد؟

در پاسخ به این پرسش، سه طیف دیدگاه به وجود آمد:

الف. با توجه به فصل‌الخطاب بودن بیانات رهبری، برای تدوین برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی، به همان مطالبی که ایشان بیان نموده‌اند، اکتفا شود و برای همان مصادیق و حوزه‌ها برنامه‌ریزی و دسته‌بندی صورت گیرد.

این دیدگاه با مخالفت برخی از حاضران مواجه شد، زیرا اولاً معتقد بودند رویکرد مقام معظم رهبری در هیچ موضوعی نفی اقدام علمی نبوده و در همان سخنرانی نیز صاحب‌نظران و اندیشمندان را به بررسی بیشتر و دقیق‌تر این موضوع جهت رفع آسیب‌های سبک زندگی در کشور دعوت نمودند. ثانیاً چنین رویکردی، به دلیل فقدان الزام اولی که ذکر شد، موجب عدم همراهی گروهی از صاحب‌نظران با برنامه‌های مصوب شورا در حوزه سبک زندگی خواهد شد.

۱. اسامی این افراد در پیوست مقاله ذکر شده‌است.

ب. بعضی از مدعوان به دنبال طرح و اندیشه‌ای برای کنار گذاردن نظریه‌های دانشمندان غیراسلامی بوده‌اند، چراکه این نظریه‌ها اساساً مبانی و اصول اسلامی قابل تطبیق نیستند. این دیدگاه نیز با مخالفت گروهی دیگر همراه شد، با این استدلال که با توجه به همگرایی برخی از صاحب نظران حوزه‌های علوم اجتماعی با این نظریه‌ها، کنار گذاشتن این نظریه‌ها بدون استدلال علمی و روش‌مند، موجب مقاومت آن‌ها به دیدگاه برگزیده سبک زندگی خواهد شد. همچنین، هرچند شکل‌گیری این نظریه‌ها از خاستگاه اسلامی نبوده‌است، اما نمی‌توان آن‌ها را به کلی تهی از حقایق قابل استناد و انتساب به اسلام دانست و در پاره‌ای از موارد، ممکن است با آموزه‌ها و سنت اسلامی و اقتضائات زیست‌بوم ایرانی قابل تطبیق باشند.

ج. دیدگاه سوم، مطالعه تطبیقی را چاره کار دانسته و اظهار داشته‌اند که میان نظریه‌های شاخص غیراسلامی با آموزه‌های اسلامی، آن‌چنان تنافری وجود ندارد که امکان تطبیق وجود نداشته باشد. لذا با تطبیق نظریه‌های غربی با حد مشترک آموزه‌های اسلامی، می‌توان به یک حد مقبول از مبنای نظری برای تعیین حوزه‌های سبک زندگی دست یافت.

منتقدان این رویکرد، تفاوت پارادایم‌های نظریه‌ها را عامل تفاوت نتایج نظریه‌پردازان دانسته و معتقد بودند که الزامات و آثار پذیرش یک نظریه به‌عنوان مبنا، محدود به ابعاد عملی و رفتاری نیست، بلکه رفتارهای تجویز شده ناشی از هر نظریه، از پیدایش و تثبیت باورها و انگیزه‌هایی در انسان‌ها پشتیبانی می‌کند که ممکن است در بلندمدت معلوم شود.

با توجه به اختلاف نظرها، این پرسش مطرح شد که آیا راهکاری وجود دارد که به جای رویکرد سلبی و نفی حوزه‌های مقبول سبک زندگی و یا تطبیق‌های ناموجه میان آموزه‌های اسلامی با نظریه‌های دیگر، با تکیه بر قواعد نظری و سیاستی، علاوه بر توافق حداکثری میان صاحب نظران، قید «جامعیت برنامه سبک زندگی» نیز حاصل شود؟

راهکارهای وفاق نظری

در تلقی از حوزه‌ها و مصادیق سبک زندگی، نوعی «واگرایی» میان اندیشمندان مشاهده می‌شود، طوری که با پدید آمدن مفهوم سبک زندگی در روان‌شناسی آدلر و انتقال آن به ادبیات جامعه‌شناسان، این مفهوم از حوزه رفتارهای مصرفی در جامعه‌شناسی، تدریجاً به هرگونه الگوهای رفتاری تمایزبخش میان افراد توسعه یافته‌است. این واگرایی، در مواجهه دیدگاه‌های اندیشمندان سکولار با تلقی نظریه‌پردازان سبک زندگی اسلامی توسعه یافته و موجب شمول سبک زندگی

به مصادیق بیشتری شده‌است، تا جایی که به تعبیر برخی از صاحب‌نظران سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی با تمام زندگی افراد و ابعاد آن ارتباط دارد (ر.ک: کاویانی، ۱۳۹۲: ۵).

براساس تعالیم قرآن و عترت، ۱- «زندگی» یک پدیده شخصی نیست، بلکه موهبت الهی و فرصت برای دستیابی به غایتی الهی است؛ ۲- اموری که موجب تفاوت «سبک»ها و شکل‌گیری هویت متمایز افراد از یکدیگر در زندگی انسان‌ها می‌شود، بسیار بیشتر از همان موضوعات است؛ ۳- به‌رغم آنکه انسان‌ها «مختار» آفریده شده‌اند، اما مفوض نیستند تا مطابق خواسته‌های خود عمل کنند؛ ۴- در آموزه‌های اسلامی، تفکیک مکانیکی میان امور و سعادت فردی از امور و خوشبختی اجتماعی مشاهده نمی‌شود؛ ۵- در برخی از آثار مطرح در این حوزه، تفسیر حداقلی از دین و تقلیل آن به حوزه‌های فردی نیز بی‌تأثیر در این نگرش نبوده‌است؛ و ۶- ارزش‌های اسلامی که به سبک زندگی «ماهیت دینی» می‌بخشند، مخصوص حوزه‌های موردنظر نبوده و قابل تسری به سایر حوزه‌ها هستند. اختلاف درون‌گفتمانی اندیشمندان مسلمان نیز ناشی از مبانی متفاوت (به‌ویژه در معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی) و نیز روش‌شناسی مراجعه به منابع اسلامی، عرضه مسائل روزآمد و تطبیق آن با اندیشه‌ها و یافته‌های روزآمد بشری است.

۷۵

با توجه به اینکه توسعه حوزه‌های سبک زندگی به رفتارهای انسان‌ها در بسیاری از مسائل زندگی، موجب ابهام در تعیین محدوده سبک زندگی می‌شود، انتقال این اختلاف‌نظرها به حوزه سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های سبک زندگی در جامعه اسلامی، به شکل شکاف نظری و سردرگمی دست‌اندرکاران و مجریان نمایان می‌شود. بر این اساس، جست‌وجو پیرامون مبنایی برای هم‌راستایی یا وفاق حداکثری ضروری است که اهم این راهکارها عبارت‌اند از:

۱. تعیین معیار و چالش‌های آن

نخستین راهکار ایجاد وفاق میان صاحب‌نظران، معرفی معیارهایی برای «چیستی سبک زندگی» است تا براساس آن، هر مصداق و حوزه‌ای که مشمول آن معیارها می‌شود، به‌عنوان حوزه‌های سبک زندگی شناسایی و معرفی شوند. در برخی از پژوهش‌ها سعی شده معیارهای سبک زندگی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد، از جمله انسجام، قابلیت مشاهده، هدفمندی، انتخابی بودن، وحدت و تمایز و تغییرپذیری در عین پایداری نسبی (ر.ک: مهدی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۱۷-۱۱۹). همه مفاد فوق ذیل عبارت «مجموعه نظام‌مند رفتارها» یا «الگوهای رفتاری پایدار» قابل جمع است.

در علوم اجتماعی، هر مفهوم کلیدی در تعریف، نسبتی روشن با سایر مفاهیم دارد و با توجه به استعمال نزدیک سبک زندگی با واژه فرهنگ، ضروری است توجه دقیقی به تفاوت این دو مفهوم کلیدی شود. مفاهیم «الگوهای رفتاری» (در برابر «معانی مشترک» میان گروهی از انسان‌ها)، «هویت فردی» (در برابر «هویت اجتماعی» در مفهوم فرهنگ)، و «تمایز» (اعم از فردی و گروهی) و «سلیقه» (ناظر به زیبایی‌شناسی و ترجیح احساسی فرد)، محورهایی است که توسط نظریه‌پردازان سبک زندگی مورد تأکید بوده (ر.ک: مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۲۳-۲۲۵) تا تفاوت سبک زندگی با محورهای مفهوم فرهنگ («الگوهای ذهنی مشترک» و «هویت اجتماعی») را روشن نماید. به‌رغم تعیین معیار برای تعریف سبک زندگی و تطبیق مصادیق و حوزه‌های مختلف با آن، باز هم اختلاف‌های فراوان وجود دارد که به نظر می‌رسد منشأ این امر، اختلاف‌نظر درباره «جایگاه امور شخصی و اجتماعی در سبک زندگی» است و با در نظر گرفتن اختلاف صاحبان آثار سبک زندگی اسلامی در این باره، تفاوت نگاه ایشان درباره «حدود دخالت دین در زندگی» را نیز می‌توان به‌عنوان عامل تفاوت در دیدگاه‌ها دانست.

۲. به‌کارگیری روش‌های اقناع نظری و لوازم آن

راهکار دیگر برای ایجاد هم‌راستایی و توافق، اقناع صاحب‌نظران از طریق اشتراک میان اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها است. برای این امر، نیاز به بهره‌برداری از روش‌های اقناعی است، از جمله:

الف. روش کشف حد مشترک

کشف حد مشترک از طریق مطرح شدن و امتداد یافتن نظریه‌ها و استدلال‌های موافق و مخالف میان صاحب‌نظران، تا زمانی است که پیرامون یک نظریه اقناع شوند. برای این امر، سیاست‌گذار با استفاده از روش‌هایی مانند روش دلفی، در چند مرحله به دریافت دیدگاه‌های صاحب‌نظران می‌پردازد و در هر مرحله، حوزه‌هایی از سبک زندگی که اشتراک بیشتری به آن‌ها وجود دارد برمی‌گزیند تا در نهایت، نسبت به چند حوزه توافق یابند. هرچند این رویکرد از نظر روشی و نتایج، اعتبار بالایی دارد و می‌توان به حداقل مصادیق یا حوزه‌های سبک زندگی دست یافت که قریب به اتفاق صاحب‌نظران آن‌ها را می‌پذیرند، اما در صورت اتخاذ این رویکرد، «تدوین برنامه جامع سبک زندگی اسلامی - ایرانی» که مورد مطالبه رهنمودهای امامین انقلاب و اسناد بالادستی کشور بوده، محقق نخواهد شد.

ب. گردآوری جمیع نظرات با استفاده از روش استقرای منطقی

منظور از «استقرای منطقی»، که به‌عنوان یکی از انواع استدلال و تبیین در منطق شمرده می‌شود، سیر از جزئی به کلی، یا به‌عبارت دیگر، حکم کردن به یک کلی براساس آن اموری است که [پژوهشگر] در امور جزئی فراوان یافته است. به عبارت دیگر، براساس سیر از خاص به عام و با بررسی مصادیق و جزئیات، مطلوب کلی تحصیل می‌شود (ابن‌سینا، ۱۴۰۴، ج ۴: ۵۶۱). این روش، غیر از «استقرای ریاضی» است که نوعی قیاس منطقی بوده و در آن، پذیرفتن دو مقدمه و رد کردن نتیجه، مستلزم تناقض است (خسروپناه، ۱۳۸۰: ۷۳). این روش دو گونه است: استقرای تام و استقرای ناقص. در استقرای تام، محقق ادعا می‌کند که «همه افراد موضوع» را مورد بررسی قرار داده‌است که این ادعا معمولاً قابل پذیرش نیست، چراکه افراد گذشته و آینده از دسترسی محقق خارج است و حداقل ممکن است مصادیق دیگری در آینده به وجود بیاید. در استقرای ناقص، مصادیق متعددی از یک ماهیت، با تأکید بر خاصیت مشترک آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و این احتمال وجود دارد که بعضی از افرادی که مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، مشمول نتایج مدنظر نباشند (ر.ک: صدر، ۱۴۰۲).

در این نوشتار، منظور از به‌کارگیری روش استقرای منطقی، صرفاً جمع‌آوری همه مصادیق و حوزه‌هایی است که توسط صاحب‌نظران معرفی شده‌اند. هرچند در این رویکرد، ربط علی یا استدلال قیاسی مطرح نمی‌شود تا با بررسی علل یا مقدمات دلیل، یقین حاصل شود (ر.ک: ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۳۱)، اما مزیت این راهکار، از این جهت است که تمامی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در جمع‌بندی نهایی لحاظ شده‌است. در نتیجه، اولاً با جمع‌آوری مصادیق موضوع موردنظر، حد نصابی از اقناع را ایجاد می‌کند و ثانیاً امکان جامعیت در تدوین «برنامه جامع سبک زندگی» (به‌عنوان مأموریت دستگاه سیاست‌گذار) وجود دارد.

به‌طور کلی، مجموعه موارد کلی و جزئی که به‌عنوان حوزه‌ها و مصادیق سبک زندگی در نظریه‌های مطرح سبک زندگی مورد توجه پژوهشگران^۱ قرار گرفته، عبارت‌اند از الگوهای مصرف

۱. مجموعه مصادیق، حوزه‌ها و مؤلفه‌های ذکرشده پیرامون سبک زندگی (که در بسیاری از مقالات و آثار منتشرشده، متأسفانه بدون ارجاع مناسب نقل شده) برگرفته از چهار پژوهش است: ۱- «اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان» که در سال ۱۳۸۰ به سفارش سازمان ملی جوانان صورت گرفته‌است؛ ۲- «مصرف و سبک زندگی»، تألیف محمد فاضلی، سال ۱۳۸۲؛ ۳- «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی» سال ۱۳۸۶ و «دین و سبک زندگی»، سال ۱۳۸۷ تألیف سعید مهدوی کنی؛ ۴- پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «پیش‌بینی رفتار خرید مصرف‌کننده براساس سبک زندگی با دو رویکرد روان‌شناسی و جامعه‌شناسی»، طیبه فتاحیان، دفاع‌شده در سال ۱۳۹۴.

مادی، الگوی مصرف فرهنگی، شیوه تغذیه، روش پخت غذا، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، محل زندگی، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، تراکم جمعیت ساکن در خانه، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح، اطفال (رفتارهای حاکی از دست‌ودلبازی)، الگوی رفتار ورزشی، الگوهای بازی کردن، نحوه صحبت کردن (در خانه و محیط جامعه)، ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری نسبت به تفاوت‌های جنسیتی، نوع نگاه و رفتار در مورد اشتغال زنان و تقسیم کار در زندگی زناشویی، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری روابط زناشویی و روابط جنسی، ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری جمعیتی، شبکه روابط خویشاوندی و اتکا به آن‌ها در امور و حوادث، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری عقلانیت، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری دین‌داری، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری در محیط خانواده، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری میهن‌پرستی، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری آموزش، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری هنری، چشم‌اندازهای اخلاقی، ارزش‌های سیاسی، تربیت کودک، نوع مدرسه محل تحصیل فرزندان، ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای مربوط به مشارکت‌های اجتماعی و محلی، نوع مواجهه با موسیقی، محل و نوع و ویژگی‌های اشتغال اعضای خانواده، موقعیت اقتصادی، طرز حرکات و سبک محاوره، آداب معاشرت، علاقه‌مندی‌ها (مانند خانواده و رسانه)، باورهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، سلیقه زیبایی‌شناختی، سلامت و بهداشت.

۳. روش‌های مدیریتی

راهکار سوم برای ایجاد توافق یا به تعبیر صحیح‌تر، جمع‌بندی و انتخاب سیاست‌گذار، بهره‌گیری از شیوه‌های مدیریتی است. مراجعه به دیدگاه اکثریت صاحب‌نظران سبک زندگی برای تعیین حوزه‌های آن، می‌تواند راهگشای سیاست‌گذار در تعیین حوزه‌های سبک زندگی باشد، اما چالش این شیوه نیز این است که خروجی آن، سیاست‌گذار را به حوزه‌های برنامه جامع سبک زندگی نخواهد رساند و صرفاً حوزه‌های مورد توافق را معرفی خواهد کرد.

کارآمدترین شیوه برای حل این مسئله، مراجعه به دیدگاه ولی‌فقیه است، چراکه اساساً از مهم‌ترین دلایل اثبات ضرورت ولایت فقیه، ضرورت نظم و مقابله با هرچومرج است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵۱). از کارکردهای جایگاه «ولایت فقیه» که از لوازم این دلیل محسوب می‌شود، مطرح نمودن فصل‌الخطاب در اختلافات نظری و عملی است. به عبارت دیگر، در مواردی که امکان دستیابی به قرابت نظری یا وفاق عملی میان صاحب‌نظران، فعالان و عوامل اجرایی یک عرصه وجود ندارد، دیدگاه ولی‌فقیه، به‌عنوان دلیل یا حجت، می‌تواند مانع انسداد و تشدید اختلافات شده و از امتداد بیهوده مسئله جلوگیری نماید.

در مسئله حوزه‌های سبک زندگی، هرچند رهنمودهای مقام معظم رهبری^{مدظله‌العالی} در مقام بیان فصل‌الخطاب و اتمام مباحث نظری نبوده و صرفاً در جهت آسیب‌شناسی و رفع آسیب‌های موجود این حوزه بوده‌است، اما حوزه‌های مورد اشاره ایشان، هم‌پوشانی زیادی با مجموعه نظریه‌های مطرح‌شده در این مقوله دارد. به بیان دیگر، اگر همه مصادیق و حوزه‌های سبک زندگی از دیدگاه همه اندیشمندان اسلامی و سکولار گردآوری شود، با بیانات معظم‌له، نسبت عموم و خصوص من‌وجه دارند. بخشی از مفاد فوق با حوزه‌ها و مصادیق سبک زندگی در دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی صاحب‌نظران سکولار و اسلامی مشترک است. برخی موارد نظیر الگوی رفتار ورزشی، تربیت کودک، نوع مدرسه محل تحصیل فرزندان و نوع مواجهه با موسیقی ذکر نشده‌است، اما در این رهنمودها، موارد دیگری، مانند مسئله خط و زبان، ورود ربا به زندگی، فرهنگ کار و محکم‌کاری در تولید، تبدیل ایده‌های خوب به واقعیت، احترام به قانون یا قانون‌گریزی و ... نیز افزوده شده‌است. با توجه به اینکه معظم‌له، در رهنمودهای خویش، در مقام بیان حوزه‌های آسیب‌دیده سبک زندگی بوده‌اند، نه بیان فصل‌الخطاب پیرامون این حوزه، مصادیق و حوزه‌های مورد نظر ایشان می‌تواند به‌عنوان مکمل نظریه‌های مطرح‌شده مورد استفاده قرار گیرد؛ با این مزیت که در مقام تصمیم‌گیری در نظام جمهوری اسلامی، حوزه‌های مورد اشاره و تأکید ایشان، مبنای تعیین اولویت‌های پیاده‌سازی و اجرایی‌سازی برنامه‌های مربوطه است.

۷۹

نتیجه: راهکار پیشنهادی و کاربست آن

با توجه به حوزه‌های مطرح‌شده از سبک زندگی و با در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف هر کدام از راهکارهای وفاق نظری، راهکار سیاستی پیشنهادی برای تعیین حوزه‌های سبک زندگی، استفاده بهینه از نقاط قوت همه شیوه‌ها با کنار نهادن نقاط ضعف آنها است. ارکان این راهکار عبارت‌اند از:

۱. استقرار کامل حوزه‌های معرفی‌شده توسط نظریه‌پردازان سبک زندگی، ذیل رهنمودهای مقام معظم رهبری.

۲. پالایش حوزه‌های سبک زندگی براساس معیارهای اصلی تعریف سبک زندگی. همان‌طور که اشاره شد، چهار مفهوم کلیدی «الگوهای رفتاری»، «هویت فردی»، «تمایز» و «سلیقه»، معیارهای تعیین حوزه‌های سبک زندگی است. بر این اساس، اموری که حائز یکی از ویژگی‌های فوق نباشند، مانند اموری از قبیل ارزش‌ها و نگرش‌ها که معیار تعیین «مطلوبیت» در سبک زندگی هستند، از حوزه‌های سبک زندگی خارج می‌شوند. همچنین ویژگی‌های شخصیتی افراد

و نوع بینش افراد درباره ارزش‌های عمومی اخلاق، هر چند در الگوهای رفتاری و سلیقه انسان‌ها تأثیر فراوانی دارند، اما از آنجا که از جنس «ملکات نفسانی» بوده و از الگوهای رفتاری نیستند، ذیل حوزه‌های سبک زندگی محسوب نمی‌شوند. در نهایت، برای تعیین اولویت‌های پیاده‌سازی و اجرایی‌سازی برنامه‌ها، می‌توان بر مبنای استخراج حد مشترک دیدگاه‌های صاحب‌نظران و رهنمودهای مقام معظم رهبری تصمیم‌گیری و اقدام نمود.

با توجه به پراکندگی مصادیق و حوزه‌های سبک زندگی، مواردی که ذیل یک مفهوم گسترده‌تر قابل جمع است، تحت عنوان «عرصه‌های سبک زندگی» جمع‌آوری شود که در صورت افزایش حوزه‌ها و مصادیق، می‌توان آن‌ها را ذیل این عرصه‌ها قرار داد. کاربست این راهکار چنین است:

سبک معنویت و دین‌داری	شعائر دینی رفتارهای معنوی	<ul style="list-style-type: none"> برنامه‌های عبادی علاقه‌مندی‌ها
سبک تحصیل، تربیت و اندیشه‌ورزی	الگوهای مطالعه و کسب دانش و معرفت نگرش‌ها و الگوهای رفتاری آموزش تبدیل ایده‌های خوب به واقعیت	<ul style="list-style-type: none"> نگرش‌ها و الگوهای رفتاری عقلانیت الگوی تربیت کودک نوع مدرسه محل تحصیل فرزندان
سبک گذران اوقات زندگی و فراغت	شیوه‌های گذران اوقات فراغت الگوهای بازی کردن	<ul style="list-style-type: none"> شیوه‌های برنامه‌ریزی و سازمان دادن اوقات شخصی شیوه‌های تفریح
سبک مدیریت بدن، سلامت و اظهار زیبایی	شیوه تغذیه نوع پوشاک	<ul style="list-style-type: none"> سلیقه زیباشناختی شیوه‌های پخت غذا الگوی رفتار ورزشی
سبک مصرف	الگوی مصرف لوازم آرایشی الگوی پیروی از مد و تجمل‌گرایی الگوی مصرف دخانیات و مواد مخدر	<ul style="list-style-type: none"> الگوی مصرف فرهنگی اطفار و الگوهای رفتاری حاکی از دست‌ودل‌بازی نوع وسیله حمل و نقل
سبک رفتار اقتصادی	کیفیت در کار و تولید پرهیز از ربا	<ul style="list-style-type: none"> ساعات مفید کار، فرهنگ کار جمعی، وجدان کاری محل و نوع و ویژگی‌های اشتغال اعضای خانواده الگوهای مصرف انرژی
ازدواج، روابط جنسی و روابط خانوادگی	زیست خانوادگی فردی نحوه صحبت کردن در محیط خانه اشتغال زن و تقسیم کار در زندگی زناشویی	<ul style="list-style-type: none"> الگوهای رفتاری نسبت به تفاوت‌های جنسیتی و نوع نگاه و رفتار در مورد زن روابط زناشویی و روابط جنسی شبکه روابط خویشاوندی و اتکا در امور و حوادث حد زادوولد
سبک تعاملات اجتماعی	آداب معاشرت طرز حرکات سبک آبارتمان‌نشینی و الزامات آن	<ul style="list-style-type: none"> رعایت حقوق افراد در امور روزمره سبک محاوره و نحوه صحبت کردن محیط جامعه الگوی روابط همسایگی
تعامل با طبیعت و محیط زیست	الگوی رفتار با محیط‌ها و فضاها (اعم از جنگل و کوه و بیابان و...) الگوی رفتار با گیاهان	<ul style="list-style-type: none"> الگوی رفتار با محیط‌ها و فضاها (اعم از جنگل و کوه و بیابان و...) الگوی رفتار با گیاهان
رفتار سیاسی	الگوهای رفتاری میهن‌دوستی رفتار دفاعی-امنیتی	<ul style="list-style-type: none"> الگوهای رفتاری مشارکت در سیاست عمومی احترام به قانون و قانون‌گریزی
سبک تعامل با فضای مجازی و رسانه		<ul style="list-style-type: none"> گرایش به رسانه رعایت حقوق افراد در رسانه‌ها و فضای مجازی
معماری و طراحی فضاهای زندگی	نوع معماری داخلی	<ul style="list-style-type: none"> انتخاب محل زندگی نوع انتخاب و چینش اسباب منزل

فهرست منابع

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۷۵، *الاشارات و التنبيهات*، قم، نشر البلاغه.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۴۰۴ق، *الشفاء*، گردآوری: ابراهیم بیومی مدکور، تحقیق: محمود محمد قاسم، عبدالحلیم منتصر، سعید زاید و عبدالله محمد اسماعیل، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳. احمدی، ابوالفضل، ۱۳۹۳، *سبک زندگی در اندیشه مقام معظم رهبری*، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
۴. اردکانی فرد، زهرا، و حامد بخشی، ۱۳۹۶، *گونه‌شناسی بازنمایی سبک زندگی جوانان ایرانی در شبکه اجتماعی فیس‌بوک*، راهبرد فرهنگ، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۴۰، ص ۱۲۹۱۵۸.
۵. الفت، سعیده، و آزاده سالمی، ۱۳۹۱، *مفهوم سبک زندگی، فصلنامه مطالعات سبک زندگی*، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۱، ص ۹۳۶.
۶. بوردیو، پی‌یر، ۱۳۸۹، *شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)*، به کوشش کیان تاجبخش، تهران، تیرازه، چاپ اول.
۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *ولایت فقیه؛ ولایت فقاهت و عدالت، تنظیم و ویرایش: محمد محرابی*، قم، اسراء، چاپ هفتم.
۸. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۰، *منطق استقراء علمی، فصلنامه کلام اسلامی*، بهار ۱۳۸۰، شماره ۳۷، ص ۷۲۸۹.
۹. خورشیدی زگلوچه، رضا، کرم حبیب‌پور گتایی، و روزا کرم‌پور، ۱۳۹۷، *بررسی عامل‌های سبک زندگی در خانواده‌های روستایی با مطالعه‌ای در بین خانواده‌های روستایی شهرستان بستان‌آباد استان آذربایجان شرقی*، فصلنامه مطالعات اجتماعی، بهار ۱۳۹۷، شماره ۳۸، ص ۱۱۹۱۳۷.
۱۰. دالوندی، اصغر، سیدباقر مداح سادات، حمیدرضا خانکه، فاضل بهرامی، شهریار پروانه؛ علی حسام‌زاده؛ نیوشا دالوندی، و تیمام کیانی؛ ۱۳۹۱، *تبیین سبک زندگی سلامت‌محور مبتنی بر فرهنگ اسلامی*، فصلنامه تحقیقات کیفی در علوم سلامت، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۴، ص ۳۳۲۳۴۳.
۱۱. دوست‌فرخانی، هادی حسن، امید رضایی، و داوود حسن دوست‌فرخانی، ۱۳۹۲، *بررسی الگوی آرمانی سبک زندگی از دیدگاه مکتب اسلام*، فصلنامه معرفت، خرداد ۱۳۹۲، شماره ۱۸۶، ص ۲۳۳۵.
۱۲. صالحی، سید رضا، ۱۳۸۱، *الگوهای سبک زندگی ایرانیان*، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
۱۳. صدر، سید محمدباقر، ۱۴۰۲ق، *الاسس المنطقیة للاستقراء*، بیروت، دارالفکر.
۱۴. صمدزاده، رسول، هادی رضانزاد اصل بناب، رقیه سالک قهقرخی، و بهنام قاسم‌زاده، (۱۳۹۵)، *بررسی مشخصه‌های معماری مسکن براساس معیارهای فرهنگ و سبک زندگی: یک رویکرد تطبیقی از معماری سنتی*

- و مدرن، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۹۵، ص ۳۵۸۳.
۱۵. عنان‌پور خیرآبادی، مجید، ۱۳۹۱، بررسی مبانی و شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی در قرآن کریم، اسلام و علوم اجتماعی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۸، ص ۹۳۱۱۲.
۱۶. فاضل قانع، حمید، ۱۳۹۱، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی، مطالعات اجتماعی و رسانه، شماره ۲، ص ۹۳۴.
۱۷. فتاحیان، طیبه، ۱۳۹۴، پیش‌بینی رفتار خرید مصرف‌کننده براساس سبک زندگی، با دو رویکرد روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی، دانشگاه ایلام.
۱۸. فعالی، محمدتقی، ۱۳۹۴، سبک زندگی رضوی، مشهد، بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا(ع)، چاپ اول.
۱۹. کاویانی آرانی، محمد، ۱۳۸۸، طرح نظریه سبک زندگی براساس دیدگاه اسلام و ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن، رساله دکتری رشته روان‌شناسی عمومی، دانشگاه اصفهان.
۲۰. کاویانی آرانی، محمد، ۱۳۹۲، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم.
۲۱. مهدوی کنی، محمدسعید، ۱۳۸۷، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، تحقیقات فرهنگی ایران، بهار ۱۳۸۷، شماره ۱، ص ۱۹۹۲۳۰.
۲۲. مهدوی کنی، محمدسعید، ۱۳۸۶، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول.
۲۳. مهدی‌زاده، حمید، ۱۳۹۷، بازتاب سبک زندگی در گستره روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اسلام، فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۱۳، ص ۹۱۱۲۴.
۲۴. نیازی، محسن، و محمد کارکنان نصرآبادی، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین میزان دین‌داری و سبک زندگی شهروندان، مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۱۶، ص ۱۷۳۲۱۳.
۲۵. هندری، لئوبی، آنتونی گلندینینگ، و جنت شاکسمیت، ۱۳۸۱، اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان، ترجمه فرامرز ککولی‌دزفولی و مرتضی ملانظر، تهران، نسل سوم، چاپ سوم.

پیوست: صاحب نظرانی که نظرات ایشان در هسته‌های قانونی اخذ شده است^۱، (به ترتیب الفبای

نام خانوادگی) عبارت‌اند از:

سید مهدی آقاپور

مجتبی اعلائی

سید مجید امامی

محمد بنائیان سفید

علیرضا پناهیان

حمید تاجدوزیان

میرسامان پیشوایی

محمد رضا جلیلی

شهاب جنابی

امیرعباس چگینی

حسام‌الدین حائری‌زاده

محسن حاجی میرزایی

احمد علی حاجی کریم

فرشته حشمتیان

مهدی رضائیان

عبدالعلی رضایی

فرامرز سهرابی

حسین سرافراز

مونس سیاح

۱. لازم به ذکر است که علاوه بر افراد نام‌برده، بسیاری از افرادی که از ایشان نظرخواهی صورت گرفته، به دلایل مختلف ترجیح دادند از درج نام ایشان در این پژوهش اجتناب شود.

رضا شریفی
محمد شیخ‌الاسلامی
یحیی صالح‌نیا
صادق صیادی
فاطمه عزیزآبادی فراهانی
فاطمه عظیمی فرد
علیرضا علی‌احمدی
رضا غلامعلی‌زاده
محمد رضا غریبی
پرویز فارسیجانی
محمد تقی فعالی
سید محمد حسین کاظمینی
محمد کاویانی
محمد رضا مجمع
مصطفی مصلح‌زاده
ابراهیم معظمی گودرزی
محمد سعید مهدوی کنی
امیر هوشنگ میرابی
عباسی نصیری فرد
محمد جواد ولی‌زاده
سید محمد حسین هاشمیان

